

گوآناخواتو: گنج‌های نقره‌ای

شهر مکزیکو گوآناخواتو، روزگاری دارای بزرگ‌ترین معدن نقره جهان و مهد پرورش انسان‌های غیور و پرشور بود. اکنون جهانگردان، دانشجویان و جشنواره‌های تئاتر به آن روح می‌بخشند.

رافائل سگوویا

نویسنده مکزیکو



می‌پرسیدم که اگر این شهر به‌جای تاریخی پراگتاش، دوران آرام‌تری را پشت سر گذارده بود زندگی در آن چگونه بود؟ گوآناخواتو که زمانی ابر شهری پرازدهام و زمانی دهکده‌ای خواب‌آلود است به موازات رویدادهای سیاسی و ظهور و سقوط صنعت معدن تحول یافته است. به نظر می‌رسد این پیشینه تاریخی بر ذهنیت پرفراز و نشیب مردم شهر تأثیر گذارده باشد. ساکنان شهر از آسیب‌پذیری موجودیت خود آگاه‌اند و به امید اکتشاف معادن جدید، همواره ثروتمند شدن را انتظار می‌کشند و در عین حال هراسی مداوم از فقر و تنگدستی دارند. از این روست که آنان محتاط، سرسخت

و تنگدستی دارند. از این روست که آنان محتاط، سرسخت

گوآناخواتو واقع در دهانه تنگ سیرامادرا در قلب مکزیک، از جمله شهرهای سنگی دوران بعد از کریستف کلمب است. به گونه‌ای که به نظر می‌رسد از دل کوه برآمده است. این بانوی زیبای ۴۵۰ ساله اسپانیایی - و نقطه مقابل چشم‌انداز بابر کواناشوواتا - در پناه برج و باروهای خود از گزند بادهای خشن منطقه مصون مانده است، همان‌گونه که سه قرن حملات مکرر سرخپوستان چی چه میکا Chichemeca این دشمنان قسم خورده فاتحان اسپانیایی را تاب آورده است.

شهر در بالای شبکه‌ای از خیابان‌های زیرزمینی قرار گرفته است. ویلاهای قدیمی بزرگ آن، کلیساهای باروک و نئوکلاسیک، قصرها، صومعه‌ها، بیمارستان‌ها همگی جذابیت و زیبایی اعصار گذشته را دارند. خیابان‌های پیچ در پیچ باریک، انعکاس صدای پا در معابر ناهموار و نوای گوش‌نواز ریزش آب چشمه‌ها بر سنگ‌ها که هنوز در کالاهون دلبسو احساس می‌شود. خیابانی چنان باریک که رومئو و ژولیت زمانی که در خانه‌های مقابل یکدیگر زندگی می‌کردند می‌توانستند از بالکن خانه‌های خود با یکدیگر صحبت کنند. رومئو و ژولیت سرنوشت غم‌انگیزی داشتند، ژولیت در یک صومعه زندانی و رومئو تبعید شد.

داستان کاشفی پرشور که به دنبال گنجینه پنهان می‌گشت.

روح گوآناخواتو محصور در دیوارهای سنگی حامل حافظه‌ای غنی است که نمی‌گذارد شهر به فراموشی سپرده شود. زمانی برای رسیدن به میدان لس پاستیوس، از میان صخره‌های سنگی تنها یک خیابان وجود داشت. امروز بزرگراه‌های بسیار با گذر از دل کوه‌ها دسترسی به این شهر توریستی و دانشگاهی و همچنین مرکز اقتصادی و فرهنگی را آسان ساخته‌اند.

هزاران جهانگرد با پر کردن کافه‌های خیابانی، بازرگانی که جذب توسعه اقتصادی شهر شده‌اند، معدنچینی که همانند پیشینیان خود هنوز از قعر زمین طلا و نقره استخراج می‌کنند، دانشجویانی که با شوق و شور جوانی خود به میدان‌های کوچک و متعدد حیات می‌بخشند، شهر کوچک پنجاه‌هزار نفری گوآناخواتو را از خواب عمیق بیدار ساخته‌اند.

از دیگر جاذبه‌های شهر، جشنواره هنرهای نمایشی سرواتینواست، که ظرف بیست سال گذشته، هر سال در ماه اکتبر برگزار شده است. در این جشنواره، بازیگران برجسته بین‌المللی و تماشاچیان بی‌شمار که همواره فریخته‌ترین‌ها نیز نیستند شرکت دارند. شادمانی پر سر و صدای گروه‌هایی که به خاطر جشنواره به شهر می‌آمدند باعث شد تا اهالی شهر از دولت بخواهند این جشنواره مشهور و برنامه فرهنگی را لغو کند.

هنگامی که از میان انبوه جمعیت رد می‌شدم از خود



پنجاه هزار سکنه شهر از موجودیت شگفتنده خود آگاهی دارند.

در اسپانیا محسوب می‌شود. تزیینات بالا و پشت محراب با ورق‌های طلا پوشیده شده است. آرایه‌های غنی و نقاشی‌های کاملاً سالمی دارد و اینها هم کلیسای والنسیانا را به نمونه بی‌نظیری از هنر Churrigueresque یا باروک سبک مکزیکی (تلفیق سبک‌های سرخپوستی با سبک‌های اسپانیایی) تبدیل کرده است.

یکی از دزهای محکم کاتولیک‌ها

گردش کوتاهی در شهر برای آگاهی از نقش غالب کلیسای کاتولیک کافی است. طی قرون هفدهم و هجدهم میلادی بیش از ۱۵ صومعه، کلیسا معبد و محراب در محدوده‌ای کمتر از دو کیلومتر - یعنی مرکز قدیمی شهر - ساخته شد. این روح مذهبی را در نام خیابان‌ها نیز می‌توان مشاهده کرد. برای نمونه خیابان کال دل کامپانرو (خیابان ناقوس‌چی) به یاد آنتونیوسولازانو، یا ناقوس‌چی کلیسای محله سانتافه نامگذاری شده است. سولازانو در اوایل قرن بیستم مردم را از زمان عبادت جمعی، مراسم تدفین اموات و در صورت لزوم ساعت منع عبور و مرور مطلع می‌ساخت. طی سالیان دراز گواناخواتو یکی از دزهای مستحکم آداب و رسوم کاتولیک بوده است. ساکنان آن - محصور در شهری که به مثابه خانه بزرگی بود - یکدیگر را می‌شناختند و اگر کسی از مقررات اخلاقی سرباز می‌زد مورد سرزنش قرار می‌گرفت. در چنین شرایطی زمینه برای بروز انواع داستان‌ها و احساسات عجیب و غریب مهیا بود. همان‌گونه که خورخه ایبا گونگونیتا در داستان‌های پر مغز و طنزآمیز خود به آنها اشاره کرده است. آثار این نویسنده ماهر گواناخواتویی که در جوانی در سال ۱۹۸۳ فوت کرد هنوز منبع الهام نمایشنامه‌نویسان و فیلم‌سازان مکزیکی است. اینان به این طریق فضای سوررئالیستی و محافظه‌کارانه این شهر کوچک را که به تدریج با ظهور زندگی مدرن در حال نابودی است، جاودانی می‌سازند.



این کوچه‌های باریک راوی قصه‌های عاشقانه‌اند.



و بسیار مقاوم‌اند. برای اثبات این سخن شهادت شخصی به نام آنتونیو دواوردونز که به کشف گنجی پنهان اعتقاد داشت مثال زدنی است. وقتی در ۱۷۶۰ میلادی معدن والنسیانا در پنج کیلومتری شهر رها شد، او نمی‌توانست بپذیرد که ذخایر معدن تمام شده باشد، بنابراین حفاری طولانی و فرسایشی را در منطقه ادامه داد. این ماجراجویی او را به آستانه مرگ و نومیدی کشاند اما در ایمانش خللی وارد نشد. پس از چهار سال، دوستانش تقریباً از او قطع امید کردند، اما او با استفاده از موهبتی که به عنوان واعظ داشت با موعظه و دعا آنان را به ادامه تلاش ترغیب کرد. چهار سال دیگر پر از رنج و مشقت سپری شد تا معجزه‌ای که در انتظارش بودند روی داد. آنتونیو دواوردونز یکی از غنی‌ترین معادن جهان یعنی وتامادر (Veta Madre) را در والنسیانا کشف کرد. کار اکتشاف معدن والنسیانا همانند سایر معادن همواره ادامه داشته است.

در عمق ۵۲۵ متری زمین

اوردونز، ثروتمند شد و گواناخواتو به بزرگ‌ترین معدن نقره جهان تبدیل شد. این معدن مانند دیگر معادن موجود در منطقه همچنان مورد بهره‌برداری قرار می‌گیرد. چاه اصلی معدن ۵۲۵ متر عمق و ۴۰ کیلومتر راهرو دارد. در آغاز کارگران تا عمق بیش از ۷۰۰ متری زمین از پله‌های شیب‌دار پایین می‌رفتند. هر معدنچی مجبور بود روزانه چهارده بار به سطح زمین بیاید و هر دفعه ۷۵ کیلوگانه را با خود حمل کند. این خود میزان ثروتی را که امپراتوری اسپانیا ظرف سه قرن اندوخته است نشان می‌دهد.

اوردونز برای شکرگزاری به درگاه خداوند تصمیم گرفت تا بخشی از ثروت خود را هزینه کند. بنابراین کلیسای باشکوهی ساخت که یکی از زیباترین کلیساها

رافائل سکویا

عکاس، فیلم‌ساز، نمایشنامه‌نویس، کارگردان، مترجم، منتقد و نویسنده مقالات ادبی و استاد ادبیات در سال ۱۹۵۱ در مکزیک متولد شد. او هم‌هنگ‌کننده مجموعه رویدادهای فرهنگی بوده است. در ۱۹۸۶ در جشنواره سروانتینو نمایشنامه «محراب شاعران یا عشق و مرگ در قرن طلایی» را اجرا کرد. مجموعه مقالات ادبی او به زودی منتشر خواهد شد.

ازدواج با معدن

شهر گواناخواتو، پایتخت ایالتی به همین نام در آغاز قرن شانزدهم میلادی توسط اسپانیایی‌ها ساخته شد و عمده‌ترین مرکز استخراج نقره در قرن هجدهم بود. شهر در مرکز مکزیک واقع شده و همواره با معادن خود همزیستی داشته است. همه چیز شهر شهادی بر این موضوع است: خیابان‌های زیرزمینی، کلیساهای مجلل نظیر لاکامپانیا و لاولنسیانا - زیباترین نمونه‌های معماری باروک در آمریکای مرکزی و جنوبی، ساخت سدها و تأسیسات آبی فراوان و بالاخره معادن. عمیق‌ترین چاه یعنی بوکادل این فیرونو (Boca del infierno) (دهانه جهنم) در عمق ۶۰۰ متری زمین قرار دارد. شهر گواناخواتو و معادن مجاور آن در ۱۹۸۸ در فهرست میراث جهانی ثبت شده است.